گریده خبر

جمع آوری: مرتضی رستگارفر
m.rastegarfar@gmail.com

۱

دانشجو و دانشگاه پیام‌نور کهگیلویه و بویراحمد، قربانی سهم خواهی احزاب و طوایف شده است

خبرگزاری دانشجو - بسیج دانشجویی ۹ مرکز دانشگاهی پیام‌نور کهگیلویه و بویراحمد در نامه‌ای سرگشاده به رئیس دانشگاه پیام‌نور کشور خواستار توجه جدی به معضلات پیش روی مراکز دانشگاهی پیام‌نور استان و قربانی شدن در سهم خواهی‌های سیاسی و طایفه‌ای شده است.

بسیج دانشجویی ۹ مرکز دانشگاهی پیام نور کهگیلویه و بویراحمد در نامه ای سرگشاده به رئیس دانشگاه پیام نور کشور، خواستار توجه جدی تری به مشکلات پیش روی این مراکز دانشگاهی، خصوصا قربانی شدن دانشجو و دانشگاه در سهم خواهی های جناحی و طایفه ای شده است.

... بیش از دو سال است که دانشگاه با مشکلات جدی رو به رو شده و علت العلل این نابسامانی ها و مشکلات عدیده بی ثباتی در مدیریت استانی دانشگاه است و مدیر استانی دانشگاه به واسطه سرپرست بودن، از امنیت شغلی و ثبات مدیریتی رنج می برد و این عامل ضمن تاثیر در انگیزه باعث شده تا کارشکنی های متعدد بنا به دلایل مختلف اعم از سهم خواهی ها، نفوذ احزاب و اشخاص، کارمندان، ایجاد دو دستگی سیاسی، فرهنگی، طایفه ای در بدنه دانشگاه، جایگزین توجه به امور آموزشی، پژوهشی، فرهنگی، ساختار، سازمان و حتی ساختمان دانشگاه شود.

و آنچه در این میان فراموش شده است دانشجو و دانشگاه است که قربانی سهم خواهی های احزاب، گروه ها، طوایف و منافع حزبی و جریانی شده است.

علاوه بر این معضلات، تعدادی از واحدهای این دانشگاه در شهرستان ها با مشکل جا و مکان رو به رو بوده و در حال تجمیع و یا حذف می باشند.

مدیر استانی با حکم سرپرستی با انبوهی از مشکلات متعدد رو به رو بوده که اقدام برای هر کدام نیازمند حمایت مسئولان ارشد اعم از استانی و کشوری در مقابل مقاومت های سهم خواهانه و کارشکنی های سیاسی است.

لازم به ذکر است، دانشجویان با اشراف به بسیاری از کارشکنی ها، ایجاد دو دستگی ها و اخلال در روند مدیریت استانی و بعضا مراکز دانشگاه، اعم از احزاب، افراد و کارکنان اشراف کامل داشته و در صورت ادامه این وضعیت در بیانیه بعدی ناچار به انتشار اسامی کسانی هستیم که دانشگاه را به بازی گرفته اند و خود دانشجویان باحضور خود جلوی کارشکنی ها و ایجاد تفرقه و تشتت در برخی واحدهای این دانشگاه و اخلال در مدیریت استانی دانشگاه را خواهند گرفت و اجازه نخواهند داد بیش از این دانشگاه قربانی اهداف احزاب و گروهای ذی نفوذ و جریانات طایفه ای و منطقه ای قرار گیرد.

از سراج، ریاست دانشگاه که خود از نخبگان جامعه دانشگاهی کشور و استان بوده و تا قبل از انتخاب وی وجه دانشگاهی و علمی آن بر سیاسی بودن آن محرز بود، به جد می خواهیم تا همچنان با روحیه ای جهادی و دانشگاهی بدون توجه به سهم خواهی ها و فشار های سیاسی برخی افراد معلوم الحال نسبت به ایجاد تغییرات معقول و مثبت، پی گیر مشکلات ساختاری، سازمانی و علمی آموزشی دانشگاه باشند و اتحاد به بزرگ بسیج دانشجویی دانشگاه در استان آماده همکاری و پشتیبانی و حامی و همکاری با مدیران دانشگاه بوده و آمادگی دارد تا در هرزمینه ای که نیاز باشد همکاری لازم را به عمل آورد.

در عین حال برخود لازم می دانیم از اقدامات و پی گیری های کنونی ریاست دانشگاه برای رسیدگی به معضلات علی رغم موانع متعدد تشکر کنیم.

۲

تجمع ورزشکاران قلعه‌رئیسی در جلوی دفتر امام جمعه و بخشدار

کبنا نیوز - ورزشکاران و جوانان قلعه‌رئیسی به دلیل کمبود امکانات ورزشی به نشانه اعتراض نسبت به بی‌مهری مسئولان تجمع کردند.

در ادامه این تعداد از جوانان و ورزشکاران قلعه‌رئیسی با بیان اینکه مسئولان برای رفع مشکلات ورزشی این شهر چاره‌ای بیندیشند در مقابل دفتر امام جمعه و همچنین بخشداری این شهر حضور پیدا کردند.

تجمع کنندگان به نشانه اعتراض بر روی بنرهای مختلف از استاندار و مدیرکل ورزش و جوانان و همچنین مسئولان ورزشی این شهر خواستار رفع مشکلات و کمبودهای ورزشی این شهر شدند.

یک جوان ورزشکار اظهار کرد: منطقه چاروسا و شهر قلعه‌رئیسی با داشتن جمعیتی بیش از ۲۵ هزار نفر هنوز فاقد یک ورزشگاه و سالن ورزشی با امکانات اولیه است.

علی رضایی افزود: سال‌های سال است که از کلنگ‌زنی ورزشگاه قلعه‌رئیسی و روستاهای شوتاور و جاورده می‌گذرد، این در حالی است که جوانان این شهر مجبور هستند برای مسابقات فوتبال و برنامه‌های ورزشی به شهر دهدشت و زمین‌های خاکی اطراف این شهر مراجعه کنند.

وی در ادامه با بیان اینکه متأسفانه از سال ۸۲ که کلنگ این ورزشگاه به زمین زده شد با کارهای بسیار کمی که انجام دادند آن را رها کردند، گفت: در این شهر جوانان زیادی هستند که علاقه فراوانی به ورزش پرطرفدار فوتبال دارند و این استعدادها بدون وجود زیرساخت‌ها به فراموشی سپرده می‌شوند و امروز شاهد هستیم که با وجود نبود زمین و سالن چندمنظوره ورزشی در این منطقه ولی با وجود استعدادهای فراوانی که وجود دارد، چند تیم به لیگ استان راه یافت.

این جوان ورزشکار تصریح کرد: مدیران کل و شهرستان چندین بار در سفر به بخش چاروسا و در بازدید از این ورزشگاه از به بهره‌برداری رسیدن این ورزشگاه خبر دادند اما هنوز عملی نشد و روزی همین مدیران باید جوابگوی حق این جوانان باشند.

وی خاطرنشان کرد: مدیرکل جدید ورزش و جوانان در بدو ورود به استان و با حضور در بخش چاروسا قول تکمیل شدن این ورزشگاه تا خردادماه را داده در حالی که هنوز به همان نحو باقی مانده است و چند ماه قبل هم با حضور در این منطقه از استان با حضور در این شهر از چمن مصنوعی و تکمیل ورزشگاه این شهر خبر داد که همچنان با همان روند گذشته باقی است.

سیاسی

سیدسعید هاشمی

نهضت آزاداندیشی چه کمکی می تواند به ما بکند؟

■ ۱- وقتی می گوییم نهضت، بلاشک محیطی مد نظرمان هست که قابلیت گنجایش و ظرفیت بالایی دارد و می تواند جمعیتی را با خودش همراه سازد. نهضت هم قدرت وحدت دارد و هم قدرت کثرت، هم قدرت جنبش دارد و هم قدرت کرنش. هر جنبشی خودش به تنهایی پر است از تحرک. تحرک ماهیتاً جنب و جوش است. چه درونی و برونی. تحرک صرفا عملی ظاهری نیست که از اراده ی بازوانی و ماهیچه ای منجر بشود، بلکه تحرک شامل تفکر هم می شود که این به نسبت آن درجه ی اهمیت بالاتری دارد. پس می شود اینطور گفت که نهضت حرکتی است که می تواند به قله ی تخلیه ی اراده ها گردد و این اراده ها هستند که می توانند یک زندگی را به معنای حقیقی کلمه تشکیل دهند.

۲- آیا می توان گفت که تحصیل در دانشگاه یک هدف است؟ مطمئناً نه. دانشگاه یک فضایی است برای بروز خیلی از ظرفیت های بالقوه ی دیگرمان. یکی از پتانسیل (=خروجی) ها ی دانشگاه گرفتن مدرک است که باز آن هم هدف نیست. هدف اصلی تشکیل یک زندگی است که زیرساخت آن شغل و درآمد است به کمک همان مدرک بالقوه. این یک برونداد خارجی است. دانشگاه یک محیط است، یک فضاست که در آن می شود خود را با تکیه بر اراده ها آزاد کرد. این فضا به اراده های شخصی هم متکی است. آزاد اندیشی هم اینگونه است. اگر بگوییم که آزاداندیشی یک هدف است، حقیقتا به آن ظلم کرده ایم و معلوم است هنوز معنایش را درک نکرده ایم. آزاداندیشی یک دانشگاهی است که می تواند مبدأ همه ی تحولات گردد.

۳- آیا آزاداندیشی فقط در بند کلمات محصور است؟ دید ما به آزاداندیشی چگونه است؟ چگونه می توانیم نهضت آزاداندیشی را بوجود آوریم؟... پاسخ چنین پرسش هایی شاید برایمان بدیهی باشد اما قبل از هرچیز، باید به خود بنگریم که چه قدر این فضا برای ما وجود دارد و ما تا چه حد خود را مکلف و موظف به ایجاد این نهضت کرده ایم؟ هر تغییری که بخواهد صورت بگیرد همه واقفیم که باید از خودمان شروع کنیم. اراده ی جمعی پیش زمینه اش اراده ی شخصی است. یادمان نرود که برای ایجاد یک موج بزرگ در آب، نیاز به یک سنگ کوچک داریم و تا سنگ نباشد، هیچ وقت موجی هم شکل نخواهد گرفت.

فرهنگی

مهدی دلبند
mahdidelband@gmail.com

تأملاتی در باب فرهنگ(۱)

مروری بر آرا و اندیشه های امام خامنه ای در مورد فرهنگ

چیستی فرهنگ

صاحب نظران تاکنون تعاریف متعددی از فرهنگ ارائه داده اند.به گونه ای که جمع میان آنها کاری دشوار می نماید.اما واقعا فرهنگ چیست؟ پاسخ به این سؤال نیازمند دقت نظر فراوان است.چرا که سرزمین فرهنگ بسیار وسیع و فراگیر است.به واقع نمی توان هیچ حوزه ای را بی ارتباط با حوزه فرهنگ دانست.فرهنگ اساس و شالوده تمدن ها است.بازخوانی تعریف مقام معظم رهبری از فرهنگ ما را در درک بهتر فرهنگ یاری می کند.به نظر ایشان «فرهنگ به معنای خاص برای یک ملت عبارت است از ذهنیات و اندیشه ها و ایمان ها و باورها و سنت ها وآداب و ذخیره های فکری و ذهنی است»(۷۲/۵/۵)

به تعبیری فرهنگ به مثابه نرم افزاری برای شکل گیری ساختار تمدن هاست.فرهنگ به تعبیر مقام معظم رهبری بستر زندگی انسان است.رودخانه ای که زندگی در آن جریان دارد.اساسا زندگی را بدون فرهنگ نمی توان تصور کرد.چراکه زندگی خود فرهنگ است و فرهنگ یعنی زندگی کردن.واقعیت جاری و ساری زندگی را همین باورها و اندیشه ها و آداب و رسوم تشکیل می دهند.

در جای دیگر ایشان می فرمایند:«به نظر ما اینگونه است که بخش عمده فرهنگ ،همان عقاید و اخلاقیات یک فرد یا یک جامعه است.رفتارهای جامعه هم که جزو فرهنگ عمومی و فرهنگ یک ملت است،برخاسته از همان عقاید است.در واقع عقاید یا اخلاقیات ،رفتارهای انسان را شکل می دهند و به وجود می آورند»(۷۹/۹/۱۹)

در یک نگاه فرهنگ به دو بخش تقسیم می شود. یکی خلقیات و رفتار های اجتماعی و دیگری عقاید و اخلاقیات.هرگاه خلقیات اجتماعی ملتی مبتنی برعقاید آن ملت باشد رشد فرهنگی مطلوبی خواهد داشت.برای مثال خلقیاتی مانند عزم و اراده ملی،غرور ملی،انضباط و نشاط همکاری و مشارکت اگر با باورهای اعتقادی گره بخورد ،جامعه را در رسیدن به اهداف و آرمانهایش کمک چشمگیری خواهد کرد.

محیط زیست

فاطمه شریعتی
eqtesad.javan.kvb@gmail.com

آتشی که می‌سوزد، ککی که نمی‌گزد

■ آب، گیاه، خاک، درخت و هوا جزو اصلی ترین عناصر طبیعت و ارکان اساسی نظم محیط زیست و زندگی انسان هاست که اگر نظم آن‌ها به هم بخورد یا یکی از آن‌ها از این چرخه حذف شود، سرنوشت طبیعت و انسان‌ها را به خطر می‌اندازد. دنیای امروز با مشکلات بزرگی مثل ظهور مداوم بیماری‌های کشنده، آفات نباتی غیرقابل کنترل، حوادث طبیعی ویرانگر و کاهش شدید ثبات وضعیت زیست محیطی و انسانی روبه روست، به گونه ای که در هر نقطه از دنیا روزانه رخدادهایی همچون سونامی، رانش، گرد و غبار، زلزله و... خسارات دامنه جانیه و سنگینی بر جای می گذارند و اگر چنین ادامه یابد، فاصله زمانی تا پایان زندگی بر این کره خاکی چنان دور نیست و هر روز کمتر می‌شود.

آتش، بلایی که هر ساله به جان جنگل ها می افتد و هزاران هکتار از ذخایر طبیعی ارزشمند، برگ ، ساقه و ریشه درختان را در کام خود می کشد. حالا به سناریو تکراری هر ساله تبدیل شده است. با شروع فصل گرما آغاز می شود و با بیل و سطل خاموش می شود.

اما این آتش سوزی های هر ساله چه مقدار از منابع طبیعی ما از جمله جنگل ها و مراتع را طعمه حریق می کند؟

در کشور ما با وصف اینکه از استعدادهای کم نظیر طبیعی و زیستی برخوردار است، اختصاص میلیاردها تومان اعتبار و سر دادن شعارهای رنگارنگ در زمینه حفاظت از این منابع، هر روز شاهد تخریب عرصه‌های گیاهی و جنگلی، کاهش شدید تنوع جانوری و نباتی هستیم؛ اما وضعیت در استان ما از سایر مناطق حادتر است. ۶۲ فقره آتش‌سوزی در جنگل‌ها و مراتع کهگیلویه و بویراحمد طی پنج ماه اخیر میزان خسارت وارده در اثر این آتش‌سوزی‌ها را ۱۲۰ میلیارد ریال برآورد کرده‌اند که بیشترین آمار آتش‌سوزی در شهرستان بویراحمد با ۲۹ فقره روی داده و ۷۶۲ هکتار و بیش از سه هزار مترمربع از عرصه‌های منابع طبیعی را طعمه حریق کرده است!!!

پیامد این روند ظهور ریزگرد، آفات گیاهی، بیماری‌های انسانی، آلودگی هوا و... است که اگر با عزمی جدی به مقابله با آن نیرد‌ازیم، وضعیت بسیار خطرناکی در استان رخ داده و سایر مناطق کشور را نیز تحت تأثیرات منفی قرار می‌دهد، زیرا یکی از بسترهای اصلی تأمین آب، اکسیژن، فرآورده‌های گوشتی، محصولات لبنی، چوب و علوفه کشور است و نبودش نابودی‌های بسیاری به دنبال می‌آورد.

توسعه زمین های کشاورزی، تهیه زغال، درگیری های قومی و قبیله ای جزو عوامل آتش زایی است که لقب عمدی گرفته اند. در آتش سوزی غیر عمدی تفرج غیر مسوولانه، سرایت آتش سوزی از زمین کشاورزی، بی احتیاطی چوپانان، رانندگان و شکارچیان از عمده موارد غیر عمدی به حساب می آیند.

دسته سومی هم برای آتش سوزی هایی که جنگل ها را به تاراج می برند وجود دارد؛ حریق های طبیعی. ایجاد آتش سوزی در اثر تخمیر و فعل و انفعالات شیمیایی مواد آلی زمین، آذرخش، تابیدن نور خورشید به قطعات ته بطری و شیشه که حرارت خورشید را روی برگ ها و گیاهان متمرکز می کند از جمله این حریق های طبیعی است.

آتش سوزی در جنگل ها، چه عامل طبیعی و غیرانسانی داشته باشد و چه انسانی، نیازمند مدیریت است.

این عدم مدیریت بار ها و بارها مورد توجه قرار گرفته و مسئولین به آن اذعان داشته اند. با توجه به اینکه منابع طبیعی از منابع حیاتی یک جامعه به حساب می آید و بایستی نسل به نسل منتقل شود باید با تدوین برنامه ای اساسی و جامع در جهت پیشگیری از وقوع حوادثی که منجر به از بین بردن این منابع غنی می شود گام برداشت و این، تنها و تنها و تنها زمانی صورت می گیرد که مسئولان مربوطه، نسبت به محیط زیست و تخریب آن حساسیت داشته باشند.

۳

مدیرکل کمیته امداد کهگیلویه و بویراحمد: بیش از ۴۵۰۰ دانشجو از خدمات حمایتی کمیته امداد برخوردارند/بیش از ۱۰ درصد نخبگان کشور در جامعه هدف کمیته امداد قرار دارند

خبرگزاری دانشجو - سید غلامرضا متقی در نشست خبری با خبرنگاران با اشاره به خدمات کمیته امداد امام خمینی (ره)، یکی از مهم ترین برنامه های این نهاد را جلوگیری از ترک تحصیل دانش آموزان و دانشجویان واجد شرایط، به خاطر فقر و نداری دانست و گفت: اگر خانواده ای به سمت علم و دانش و فراگیری علوم و فنون پیش برود، برایش ارزشمند تر از دریافت مستمری و کمک است؛ البته کمیته امداد نه تنها کمک های خود را از این خانواده ها دریغ نمی کند، بلکه فرزندان دانش آموز و دانشجویشان را نیز حمایت می کند.

وی به نقش حمایتی کمیته امداد در پیشرفت علمی کودکان و نوجوانان خانواده های کم و بی بضاعت اشاره کرد و گفت: چه بسا اگر کمیته امداد نبود خیلی از این دانش آموزان و دانشجویان قادر به ادامه تحصیل و یا به اتمام رساندن تحصیلات خود نبوده اند.

مدیر کل کمیته امداد امام خمینی کهگیلویه و بویراحمد به نقش حمایتی این نهاد از جویندگان دانش اشاره کرد و گفت: بیش از ۱۳ هزار و پانصد دانش آموز و دانشجو از خدمات علمی و آموزشی کمیته امداد بهره مند هستند که بیش از ۴۵۰۰ نفر آنها را دانشجویان هم استانی در مقاطع مختلف شامل می شوند.

وی افزود: کمیته امداد با توجه به رشته، دانشگاه و مقطع تحصیلی دانشجو بین ۵۰ تا ۶۰ درصد هزینه های تحصیلی آنها را متقبل شده است.

متقی میزان هزینه کرد کمیته امداد در این بخش را عنوان کرد و گفت: در طول یک سال گذشته بیش از چهار میلیارد و پانصد هزار تومان در بخش دانش آموزی و دانشجویی هزینه کردیم که در واقع سرمایه گزاری محسوب می شود.

مدیر کل کمیته امداد امام خمینی کهگیلویه و بویراحمد به حمایت این نهاد از نخبگان مناطق محروم اشاره کرد و گفت: بر اساس آمار دو سال پیش، بیش از ۱۰ درصد نخبگان کشور از جامعه هدف کمیته امداد هستند که طی سال های اخیر به احتمال زیاد بیشتر شده اند.

۴

فاجعه زیست‌محیطی در حاشیه رودخانه امامزاده میرسالار (ع)

خبرگزاری فارس - بی‌توجهی مسئولان به وضعیت زیست‌محیطی رودخانه تنگ فارتق مرگی خاموش برای این رودخانه است.

رودخانه امامزاده میرسالار (ع) در حاشیه بقعه متبرک به این امامزاده جاری و روان است که این رودخانه با طبیعتی دل‌نشین و آبی گوارا کام هر گردشگری را برای زیارت این امامزاده دوچندان می‌کند.

رودخانه امامزاده میرسالار (ع) آبی خروشان، رودخانه معروف تنگ فارتق در دامنه کوه‌های پوشیده از گل و گیاه، درختانی از قبیل انگور، انار، انجیر و چنارهای سر به فلک کشیده حاشیه این امامزاده چشم‌اندازی کم‌نظیر برای گردشگران است.

رودخانه تنگ فارتق در روستای امامزاده میرسالار(ع) از زیباترین مکان‌های دیدنی و فرح‌بخش بوده، به طوری که زیبایی‌های رودخانه و کوهساران تنگ فارتق هر گردشگری را به وجد می‌آورد.

اما وضعیت بد بهداشتی و ورود زباله‌ها و فاضلاب‌ها مرگی خاموش برای این رودخانه است.

ورود فاضلاب‌های خانگی به رودخانه فارتق واقع در امامزاده میرسالار(ع) روزبه‌روز در حال افزایش است و در حال حاضر به مرحله‌ای رسیده که مشکلات زیست‌محیطی بستر رودخانه را تهدید می‌کند.

رودخانه فارتق منبع آب شرب روستاهای اطراف این امامزاده است، امامزاده میرسالار، کولاب، فارتق و همچنین آب شرب گردشگران و زائران این امامزاده بزرگ از همین رودخانه است.

این در حالی است که تخلیه فاضلاب‌های خانگی، دفع کودهای حیوانی، دفع زباله در حاشیه این رودخانه و حتی تخلیه زباله‌های جمع‌آوری شده خانه‌ها درست در حاشیه این رودخانه معضل بزرگی است.

از همه مهم‌تر حفر چاه‌های آب شرب روستاهای اطراف دیشموک در فاصله چند صد متری در بستر رودخانه قرار دارند که علاوه بر ایجاد مشکلات زیست‌محیطی موجب آلودگی آب مصرفی شهروندان نیز خواهد شد.

سئوال این جا است آب رودخانه تنگ فارتق که در مصرف زمین‌های کشاورزی مورد استفاده قرار می‌گیرد نه از طرف شبکه بهداشت و درمان منطقه دیشموک و نه از طرف محیط زیست پیگیری نشده و مسئولی که پاسخگوی حل این معما باشد، نیست.

به گزارش فارس؛ در خصوص تخلیه زباله‌های خانگی در حاشیه رودخانه مذکور بخش عمده حراست از محیط زیست به عهده شهروندان و دهیار منطقه امامزاده میرسالار (ع) است که با فرهنگ‌سازی، سطح آگاهی جامعه و مسئولیت‌پذیری افراد بالا امکان‌پذیر است.

از طرف دیگر انتظار می‌رود شبکه بهداشت و درمان منطقه دیشموک و همچنین اداره محیط زیست شهرستان کهگیلویه در جهت رفع این معضل تمهیدات لازم را به کار بگیرند و با خاطیان به شکل جدی و در چارچوب قانون برخورد کنند.

۵

واکنش تند بزرگواری نسبت به تکمیل نشدن پروژه ۲۰ ساله جاده پاتاوه - دهدشت/پیمانکار پروژه دبه درآورده است

صبح زاگرس - نماینده چهار شهرستان کهگیلویه و بویراحمد در مجلس شورای اسلامی از رویکرد ضعیف دولت یازدهم در اتمام پروژه های عمرانی از جمله پروژه ملی و حیاتی پاتاوه - دهدشت انتقاد کرد و گفت: اگر با این منوال به جلو برویم شاید تا چهار سال آینده برای افتتاح این پروژه به نتیجه نرسیم.

حجت الاسلام سید علی محمد بزرگواری در گفت و گوبا خبرنگار پایگاه خبری تحلیلی صبح زاگرس، به آخرین وضعیت پروژه ملی پاتاوه - دهدشت اشاره کرد و گفت: این پروژه در حال حاضر به دلیل پرداخت نشدن مطالبات پیمانکار پروژه راکد مانده که این راکد ماندن هم به ضرر دولت و هم به ضرر ماست.

وی از دیدار نمایندگان استان و استاندار با وزیر راه و شهرسازی در مورد راه حل جدید برای ادامه فعالیت این پروژه خبر داد و افزود: در دیدار نمایندگان و مسئولان اجرایی استان با وزیر راه و شهرسازی، وزیر راه و شهرسازی خواهان انعقاد قرار جدید با قرارگاه خاتم برای ادامه این پروژه شد.

نماینده چهارشهرستان استان در مجلس شورای اسلامی پرداخت نکردن مطالبات در موعد مقرر را یکی از دلایل تعطیلی این پروژه از سوی پیمانکار دانست و افزود: دولت تاکنون ۶۰۰میلیارد تومان از مطالبات معوقه قرارگاه خاتم را پرداخت کرده که این میزان ۵۰۰میلیارد تومان آن به پروژه پاتاوه - دهدشت اختصاص دارد.

بزرگواری با بیان این طبق دستورالعمل جدید قرار گاه خاتم موظف به اجرای دوباره پروژه است، گفت: براساس مفاد قرارداد جدید، قرارگاه خاتم برای تسریع در ادامه این پروژه عملیات اجرایی تکمیل تونل ها را بر عهده بگیرد و ساخت پل ها به شرکت پیمانکاری پارس گرما واگذار شود.

وی با بیان تأکید بر این موضوع که مسئولان استانی به دنبال از رکود خارج کردن این پروژه در حال حاضر هستند، ابراز کرد: فاز یک و چهار این محور به طول ۴۵ کیلومتر به بهره برداری رسیده است و فاز دو این طرح به طول ۲۸ کیلومتر از سرچنار تا لودآب ۶۵ درصد و فاز سوم آن از لودآب تا کوه پاد به طول ۶۳ کیلومتر ۶۵ درصد پیشرفت فیزیکی دارد که اگر اعتبارات لازم برای این پروژه لحاظ شود تا سال آینده بعد از بیست سال این پروژه به اتمام خواهد رسید.

نماینده چهارشهرستان کهگیلویه وبویراحمد در مجلس شورای اسلامی با انتقاد از شانه خالی کردن دولت در تکمیل این پروژه گفت: اگر با این وضعیت پیش برویم و بودجه کافی برای این پروژه از سوی دولت اختصاص داده نشود کار بجایی نخواهیم برد.

بزرگواری با بیان اینکه اتمام این پروژه نیازمند ۲۰۰میلیارد تومان اعتبار است، بیان کرد: دولت باید در این زمینه همت کافی بگذارد که هنوز عزمی از دولت یازدهم نمی بینم.

نماینده چهار شهرستان کهگیلویه و بویراحمد در مجلس شورای اسلامی از رویکرد ضعیف دولت یازدهم در اتمام پروژه های عمرانی از جمله پروژه ملی و حیاتی پاتاوه - دهدشت انتقاد کرد و گفت: اگر با این منوال به جلو برویم شاید تا چهار سال آینده برای افتتاح این پروژه به نتیجه نرسیم.

بزرگواری با بیان اینکه تاکنون افزون بر ۱۰۰ میلیارد تومان

برای احداث این جاده ملی هزینه شده است، اظهار کرد: با تکمیل و بهره برداری آن بیش از ۴۰۰ روستا در دو شهرستان بویراحمد و کهگیلویه از نعمت راه مناسب برخوردار خواهند شد.

وی با بیان اینکه استاندار و نمایندگان نگاه ویژه ای به اجرای این پروژه و از رکود خارج کردن آن دارند، بیان کرد: پرداخت نشدن مطالبات قرار گاه خاتم در موعد مقرر باعث تعطیلی این پروژه شده که در حال حاضر که پول به این قرارگاه تزریق شده پیمانکار طرح دبه درآورده است.

پروژه احداث جاده پاتاوه - دهدشت شاهراه حیاتی جنوب به شمال کشور و از مصوبات سفر مقام معظم رهبری به کهگیلویه و بویراحمد در سال ۱۳۷۳ است و همچنان بدون داشتن آینده مشخص به حال تعطیل درآمده است.

پروژه ملی پاتاوه به دهدشت به طول ۱۳۶ کیلومتر دارای چهار فاز است که قطعات (فازهای) یک و سه این طرح به ترتیب ۲۸ و ۲۰ کیلومتر و فازهای دو و چهار این طرح نیز به ترتیب ۲۸ و ۶۳ کیلومتر است.

فاز یک و چهار این محور به طول ۴۵ کیلومتر به بهره برداری رسیده است و فاز دو این طرح به طول ۲۸ کیلومتر از سرچنار تا لودآب ۶۵ درصد و فاز سوم آن از لودآب تا کوه پاد به طول ۶۳ کیلومتر ۶۵ درصد پیشرفت فیزیکی دارد.

سیدعلی محمدی Salim_110@yahoo.com

اجتماعی

فرهنگ کار ضعیف ما: قابل تغییر یا غیر قابل تغییر

■ بسیاری از اندیشمندان معتقدند فرهنگ کار و تلاش در ایران بسیار ضعیف و ناچیز است. برخی سخن را مستند به شواهد تاریخی کرده اند و بسیاری نیز متاثر از مکتب نوسازی دست به تحقیر فرهنگ ایران زمین زده اند و صفات بی مورد و با مورد زیادی را به ایران و فرهنگ ایرانی نسبت داده اند. اینان معتقدند که اساساً ما ایرانی ها ایراد داریم و باید از اساس خونمان یا جغرافیای سرزمین‌مان را عوض کنیم تا شاید توسعه بیابیم. قصد ما در اینجا بررسی این نظریات نیست. آنچه در اینجا برای ما اهمیت دارد این است که بدانیم که وجود ویژگی های خاص در فرهنگ کار ایران امروز، مخصوصا کهگیلویه وبویراحمد، امری جدید و عرضی است یا خیر امری قدیمی است و ذاتی؟ آیا می توانیم در جهت درست شدن وضعیت نابسامان فرهنگ کار، کاری انجام دهیم یا نه این تقدیر محتوم ماست و راه گریزی از آن نیست؟

به نظر می آید که بین ساختارهای فرهنگی هر جامعه و تاریخ آن جامعه ارتباط متقابل تنگاتنگی وجود دارد. اصولا یکی از ویژگی های بنیادی فرهنگ، تاریخی بودن آن است. بنا براین شایسته است که برای فهم فرهنگ کار در ایران با دقت به بررسی فرهنگ کار در دل فرهنگ عمومی بپردازیم. برای این کار در چند شماره آینده تعدای یادداشت پیرامون مسئله ی فرهنگ کار خواهیم داشت. در این یادداشت ها چند مقایسه خواهیم داشت بین «فرهنگ ایرانی و فرهنگ اسلامی» از یک سو و «فرهنگ یونانی و فرهنگ آنگلوساکسون» از سوی دیگر. در این یادداشت کار مقایسه را با مقایسه ی فرهنگ واژگان این دو فرهنگ پیرامون کار شروع خواهیم کرد:

واژه labor برابر با work معادل arbeit آلمانی و travail فرانسوی و trabajo اسپانیایی و برابر با واژه ی زحمت ایرانی است.(قاسم تودوشکچویی، ۱۳۸۴ : ۸۶). Labor در فرهنگ های مختلف به صورت فعل به معنای زحمت کشیدن، تلاش برای انجام هدفی، به سختی و تلاش دردناک حرکت کردن، تکان خوردن کشتی در آب دریا، بار سنگین را تحمل کردن ستمدیده شدن، درد زایمان را تحمل کردن، جان کندن، خون دل خوردن و سخت کار کردن آمده است. معنای بسیار کهن و شعری آن نیز زمین را آماده کشت کردن و بیل زدن است.

می بینیم که بار بسیار منفی و خشنی بر روی واژه ی labor سوار شده است. در زبان فارسی اما از چنین معنای منفی خبری نیست. آنچه مشاهده می شود بار مثبت سازندگی و سودمندی است. حال در زبان فارسی باستان چه خبر بوده است؟ باید توجه داشت که معادل labor در اوستا «آثیوی وَرز» است. این کلمه به معنای کشاورزی کردن، پاکیزه کردن است. (بهرامی، ۱۳۸۷: ۱۲) همچنین معنای ورز (varz) در پهلوی به معانی زیر آمده است:

۱- کار و کشت و ورز و کشاورزی
۲- معجزه
۳- نیرو

مقایسه ی این دو کار بسیار ساده ای است. بار منفی و خشن کلمه labor را با معنای پر از سازندگی طراوت کار در فارسی باستان مقایسه کنید. معنای کلمه labor و مترادفات آن در زبان های اروپایی نشان می دهد که از آغاز فرهنگ شرقی و غربی با رویکردی متفاوت با مسئله کار رو به رو شده اند.

سحر دانشور

بانوان

غفلت فراگیر از هویت

«زنان از ما چه می خواهند؟» این سوال تا به حال در مواجهه با سوال های رایج و پرنگ «جامعه از زنان چه می خواهد؟»، «زن طراز انقلاب اسلامی چگونه زنی است؟» و سوال هایی از این دست مورد توجه نبوده است. حال آنکه کمی دقت برای آشکار شدن ارتباط دوسویه این دو سوال کافی است. اگر جامعه از زنان می خواهد در زمینه سازی برای تعالی و پیشرفت حضور فعال داشته باشند-فارغ از راستی آزمایی این ادعا که همواره در بلندگوها فریاد شده است-، زنان نیز خواستار همین مهم بوده و هستند. اما نکته در ناهموار بودن زمینه حضوری اینچنین است. برای ورود به مطلب اشاره به مراسم ازدواج زوج جوان یاسوجی که طی هفته های اخیر تصاویرش در شبکه های اجتماعی منتشرشده است خالی از لطف نیست. دو نکته در تصاویر و متون منتشر شده وجود داشت که تا به حال مورد توجه جدی واقع نشده است. نکته اول «پرهزینه بودن مراسم» و نکته دوم «سنت گرایی» زوجین در برگزاری مراسم ازدواج است. این دو نکته با حالتی غرور آمیز و پرافتخار در متون منتشر شده مورد تاکید قرار گرفته بود. شاید بتوان شیوه برگزاری این مراسم ازدواج را زنگ خطری برای مسئولین و کارشناسان دانست. زنگ خطری که در نتیجه سال ها غفلت از ظرفیت های بومی به صدا درآمد-هرچند می توان در مناسبات دیگر نیز صدای این زنگ خطر را جست و یافت-. در حقیقت آن مراسم نشانگر بحران هویتی است که طی سال های اخیر گریبانگیر مردم این استان و بالاخص زنانشان شده است. استفاده از نمادهای بومی و لباس های محلی در شرایط هجمه فرهنگ زیست تهرانی و فرهنگ های بیگانه، میل به آداب و رسوم فراموش شده استان و تجمل گرایی مراسم-که پس از این موجی از ازدواج های پرهزینه را در رقابتی چشمگیر در استان به راه خواهد انداخت-نشان بحرانی است که پیش از این در سبقت گرفتن آقایان از یکدیگر در خرید ماشین های مدل بالا دیده بودیم. در حقیقت با این مراسم ازدواج بحران هویت، خود کم بینی و تمایل برای پر شدن این حس با بازگشت به آداب و رسوم محلی استان در زنان استان نمایان شده است. -می گویم زنان، چون مراسم ازدواج عمدتا با محوریت خواسته های خانم ها برگزار می شود!- با دقت به راه اندازی صفحات متعدد با محوریت لباس های محلی استان در اینستاگرام و حضور فعال دختران جوان در این صفحات- که انشاالله در مطلبی دیگر به تاثیرات منفی و مثبت این صفحات خواهم پرداخت- گرایش برنگ دختران جوان و زنان به برخی آداب و رسوم محلی مانند پوشش آشکارتر می شود. بی توجهی مفرط مسئولین، کارشناسان، هنرمندان و اهالی فرهنگ به فرهنگ بومی، آداب و رسوم محلی و تسلیم شدن در برابر هجمه بی امان رسانه ملی و رسانه های بیگانه به فرهنگ مناطق مختلف و منطقه خود ما نتیجه ای جز از بین رفتن آداب و رسوم و فرهنگ مناطق مختلف و این منطقه نداشته است. در چنین شرایطی مواجهه ما با زنانی که قابلیت هضم شدن در فرهنگ بیگانه را داشته و با حسی از بی هویتی دست و پنجه نرم می کنند طبیعی است. با بسط این شرایط چگونه می توان از زن طراز انقلاب اسلامی سخن گفت؟ زنی که در بستر ظرفیت های بومی و قومی خود دیده نشده و هویت حقیقی خود را از دست داده است چگونه می تواند به نقش آفرینی موثر در جامعه ای انقلابی بپردازد؟ در حقیقت پرورش زن طراز انقلاب اسلامی در گرو هویت بخشی به زنان هر منطقه و قومیت است و زنان منطقه ما خواهان بازگشت به سنت های اصیل و مثبت قومیت خود هستند و پرواضح است که رابطه این دو خواسته دوسویه و تنگاتنگ است. اما سوال این است که نهادهای فرهنگی، اساتید دانشگاه، علمای حوزه علمیه، هنرمندان و اهالی رسانه، کارشناسان مسائل زنان و مسئولین تا به حال به وضعیت هویتی زنان استان توجه کرده اند؟ مولفه های هویتی زنان استان را بررسی کرده و نقاط قوت و ضعفشان را به بحث گذاشته اند؟ اصلا زنان ما در چه شرایطی به سر می برند؟ باید گفت این نکته مهمی است که در غفلت فراگیر ما همواره کمرنگ تر و کمرنگ تر می شود.

عکس: معصومه موسوی

۶

مدیرکل تعاون کهگیلویه و بویراحمد: کهگیلویه و بویراحمد، ۲۵ هزار جمعیت بیکار دارد

خبرگزاری فارس - مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی کهگیلویه و بویراحمد گفت: این استان با جمعیت ۲۵ هزار و ۳۵۸ نفر بیکار، سومین استان کشور در زمینه تعداد بیکاری است.

وی افزود: متأسفانه علی‌رغم تأکید دین اسلام در خصوص لزوم تعاون این موضوع در کشورهای اسلامی آنگونه که باید و شاید جانیفتاده است.

مظاهری عنوان کرد: اگر خواهان جامعه‌ای پویا و متحرک هستیم باید به سمت و سوی تعاونی‌ها، اتحادیه‌ها و انجمن‌ها حرکت کرده و از فردمحوری به سوی مشارکت‌های گروهی حرکت کنیم.

مظاهری در ادامه در پاسخ به سئوال فارس مبنی بر آخرین آمار جمعیت افراد بیکار در کهگیلویه و بویراحمد افزود: بر اساس آخرین آمار منتشر شده جمعیت کنونی بیکار در کهگیلویه و بویراحمد تعاون بر ۲۵ هزار و ۳۵۸ نفر است.

مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی کهگیلویه و بویراحمد یادآور شد: در حال حاضر استان کهگیلویه و بویراحمد بعد از استان‌های لرستان و ایلام سومین استان از لحاظ بیشترین جمعیت بیکاری در کشور است.

مظاهری در ادامه تصریح کرد: در حال حاضر ۱۴ موسسه کاریابی در سطح کهگیلویه و بویراحمد وجود دارد که کار ثبت نام از کارجویان را بر عهده دارند.

۷

مدیرکل دفتر فنی استانداری: سهم برخی نهادها در بروز زمین خواری بیش از افراد حقیقی است

ایرنا - مدیرکل دفتر فنی استانداری کهگیلویه وبویراحمد نیز در این نشست با اشاره به برخی سهل انگاری ها از سوی نهادهای متولی در زمینه مبارزه زمین خواری گفت: شهرستان های بویراحمد و دنا دارای بیشترین میزان تصرف اراضی ملی در سطح استان هستند.

حسین کاظمی افزود: بررسی ها نشان داده که نقش و سهم برخی نهادها و دستگاه های متولی نیز در بروز زمین خواری بیش از افراد حقیقی است و حتی کمترین اراده ای از سوی این دستگاه ها برای مقابله با متصرفان وجود ندارد.

وی با بیان اینکه نمی توان با مصلحت گرایی اقدام به مبارزه با پدیده زمین خواری و متصرفان به اراضی ملی در استان کرد ، افزود: بیشترین تصرفات و مصداق های بارز زمین خواری، کوه خواری و تصرف اراضی ملی در اطراف و بویژه شمال شهر یاسوج است.

معاون اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری کهگیلویه وبویراحمد نیز در این نشست با بیان اینکه هنوز اراده لازم برای مقابله جدی با بروز پدیده زمین خواری در استان وجود ندارد، گفت: سهل انگاری و کوتاهی برخی نهادهای متولی با متصرفان به اراضی ملی مشهود است.

الماس گشتاسبی افزود: برخی مدیران در جلسات حرف از قانون و اجرا می زنند اما در بیرون از این نشست ها و هنگام اجرای قانون به تعهدات خود نمی کنند.

وی بر لزوم ایجاد هماهنگی های لازم بین دستگاه های متولی مبارزه با پدیده زمین خواری و دستگاه قضایی تاکید کرد و افزود: در زمینه ساماندهی حاشیه رودخانه بشار برخی دستگاه های اجرایی در اوایل این کار هماهنگی و همراهی داشتند اما بعد از مدتی استانداری را در این مساله تنها گذاشتند.

وی با تاکید براینکه برخی کوتاهی ها را ه تصرف اراضی ملی و بروز پدیده زمین خواری در استان را هموار کرده است، اظهار کرد: قانون نیز به صراحت راه را برای برخورد با سودجویان باز کرده ولی انگیزه لازم در این راستا وجود ندارد.

وی ابراز داشت: نمونه بارز در این راستا دستور ویژه دادستان مرکز استان برای برخورد فوری منابع طبیعی استان با متصرفان به اراضی ملی قبل از تشکیل پرونده است.

معاون حفاظت و امور اراضی منابع طبیعی و آبخیزداری کهگیلویه و بویراحمد نیز در این نشست از رفع تصرف ۵۲ هکتار عرصه های منابع طبیعی این استان خبر داد.

احسان نعمتی افزود: در سه ماهه اول امسال ۱۱۵ هکتار از عرصه های منابع طبیعی این استان در قالب ۸۹ فقره پرونده زمین خواری در محاکم قضایی استان تشکیل شد.

از این تعداد ۶۷ پرونده در محاکم قضایی به مساحت ۵۲ هکتار منجر به صدور رای و رفع تصرف از سودجویان و زمین خواران در این استان شد.

نعمتی با اشاره به تبصره یک ماده ۵۵ قانون مبنی بر اینکه قبل از تصرف و تجاوز به عرصه های منابع ملی جلوگیری شود، تصریح کرد: در بدو تصرف ۱۴ مورد زمینه خواری در عرصه های جنگلی به مساحت ۷.۶ هکتار رفع تصرف شد.

وی تصریح کرد: همچنین زمین خواران به محض تصمیم به تصرف سه فقره تصرف در عرصه های مرتعی استان به مساحت ۱۰۶ هکتار با اقدام منابع طبیعی این میزان نیز رفع تصرف شد.

نعمتی یادآور شد: در سال جاری تاکنون ۴۰ هزار هکتار از عرصه های ملی استان دارای نقشه کاداستر شده اند.

جوان

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی
سردبیر: سید مسعود پرهیزگاری
آدرس سرپرستی: یاسوج-فلکه ساعت-باجه مطبوعاتی روزنامه همشهری-دفتر سرپرستی روزنامه جوان
سرپرست توزیع استان: پراهام
هیئت تحریریه: محمد طاهری-سحر دانشور-مرتضی رستگارفر-محمود ذکاوت-مهدی دلبند-حمید دهقانیان-محسن جبارنژاد-رحمان رزم یا-حیدر جهان کهن-سید علی محمدی-فاطمه شریعتی-سیده زینب پرهیزگاری-سید سعید هاشمی-سید محمد باقر بهدار پور-بهنام ترکمان-محمدامین نیکویی-سیدحمید فتحی سوق-کرم‌الله بهزادی
مسئول سایت: سیدحمید فتحی سوق
طراح: احمد رضا خواست خدایی
چاپ: چاپخانه روزنامه جوان
وب سایت: www.kvb-Javan.ir
ایمیل: kvb.Javan@gmail.com

| روزنامه جوان ویژه کهگیلویه و بویراحمد |
| سال اول | شماره دهم | سه شنبه ۱۷ شهریورماه ۱۳۹۴ | ۲۴ ذیقعده ۱۴۳۶

سلفه!

دغدغه و آرمان یک جماعت جوان، آنان را بر این محفل هفته نامه جوان گرد آورد تا درد مشترک این دیار یعنی «**محرومیت و تلاش برای پیشرفت همه جانبه**» را ذیل گفتمان اصیل انقلاب اسلامی، قلم بزنند و مطالبات‌شان را فریاد.

نیک می دانیم این وادی سختی‌هایی دارد و زبان عدالت‌خواه، منتقدان سرسختی خواهد داشت اما آنان که دل در گرو راه آرمان‌خواهی دارند باید از نشیب و فرازهای راه نهراسند و نمی هراسیم؛ اما تحقق این مهم نیازمند یاری همه جانبه‌ی شما مردم شریف استان دارد. وجه حقیقی تشکیل این هفته نامه، انعکاس صدای واقعی مردم است؛ صدایی که متأسفانه در برخی رسانه ها به نفع منافع حزبی و گروهی، تغییر جهت می دهد. لذا برای شنیدن و انعکاس صدای واقعی شما عزیزان نیاز است که رابطه نزدیکی بین این هفته نامه و مردم شکل بگیرد. هیئت تحریریه هفته‌نامه جوان استانی از همه مطالبات، گزارشات، خبر، تحلیل و... شما بزرگواران استقبال می کند و بر خود واجب می‌داند که به بهترین شکل ممکن، آن را انعکاس و از مسئولین و متولیان امر مطالبه نماید.

در آخر منتقدین گرامی خود را دعوت می کنیم تا نقدهای خود را بدون هیچ مصلحت سنجی، با ما در میان بگذارند؛ باشد که به فضل الهی بتوانیم قدمی کوچک در راه اعتلای استان عزیزمان برداریم.

بمنّه و کرمه
هیئت تحریریه هفته نامه جوان استان ک و ب

ترین هفته

حاشیه‌ساز ترین هفته

برخی از رسانه های استان که به جای عمل به رسالت خطیر رسانه ای بودن خود، به دنبال پر رنگ کردن حاشیه های کم ارج به جای متن هستند را بدون ذکر نام مورد خطاب قرار می دهیم و امیدواریم به اصل ماجرای استان و دردهای مردم این دیار بپردازند تا در یک صف رسانه ای چاره ای برای مشکلات مردم دیارمان بکنیم نه بازیچه و ابزار دست سیاسیون و حاشیه سازانی که جز منافع خود، جناح و فامیلشان به چیز دیگری نمی اندیشند.

پیشنهاد «ترین‌های هفته» مد نظرتان را برای درج در هفته نامه جوان استانی به پل‌های ارتباطی ما ارسال کنید.

www.kvb-Javan.ir
kvb.Javan@gmail.com

دفاع مقدس

نگارنده: جمیله آریایی راوی: صولت کیانی

انفجار لیکه‌ها

■ آن روزها لیکه‌های نازی و پریجان و اقدس و حوری و بگم و... شده بود موشک و هر روز یک جای ده را می لرزاند، یک روز می‌خورد آن گوشه ی ده که بشیر شهید شده و یک روز می خورد این گوشه که بیژن. یک روز هم درست می خورد کنار دستم، توی خانه ی همسایه که نورالله پاشو از دست داده. و من این وسط مثل سربازی که آداب جنگ و جنگیدن را بلد نباشد، ایستاده و سر به هوا صدای صوت موشک تا جای افتادنش را دنبال می کردم. از بس پناه نگرفته بودم ذهنم پر شده بود از ترکش.

عاقبت یک روز یک خبر، لیکه‌ها را کرد یک بمب چند تنی و خرابش کرد روی خانه ی من. خبر آمد که گلوله صاف خورده به قلب صفدر -شوهرم-. خبر آمد که من بی پناه شدم از خالی زیر خانه مان فریاد زدند که: -بدبخت شدیم صولت!

از روی پرچین جلوی خانه پریدم و خودم را میدان جلوی خانه مان -آن جا که همه جمع شده بودند- رساندم. یک ساعت در بهت و بلوایی غریب، از همه جا بریده و بی خبر، جنگ بر صورت می زدم و خاک بر سر می کردم که ناگاه خبر آمد که صفدر شهید نشده و سالم سر حال هفته ی دیگر می آید خانه. آتش برافروخته را آب سردی فرو نشاند و ناله زاری ها تبدیل شد به اظهارنظر: که تقصیر فلانی بوده و بهمانی بد شنفته و بیساری نباید می گفته؛ اما آن حال و هوا یک لحظه حرف آخر و همیشگی صفدر را به یاد آورد که:

-حواست به سروش باشه

به قول مادر، دلم گواهی بد داد. راه آمده را با همان شتاب برگشتم. از روی پرچین پریدم تا... روسروی زغال های بر افروخته ی اجاق خشکم زد. این بار نه خبر موشک که خود موشک خورده بود توی خانه ام. جیغ بلندی کشیدم، دیگر نه کاری توانستم انجام دهم نه چیزی یادم می آید. چشم که باز کردم پریجان -مادر شوهرم- بالای سرم بود و جیغ هایی آشنا توی سرم. سروش یک ساله ی من، امانت صفدر، بچه ام، توی آتش سوخته بود، کباب شده بود، هنوز آن روز توی سرم گیج می خورد و هنوز تمام حواسم به سروش است بعد از بیست سال!

سیده زینب پرهیزگاری Ze.parhizgari@yahoo.com

همی دوربال خو

انصراف از تحصیل

■ از همون صبح که بابا داشت می رفت سر کار؛ دلم مثل سیرو سرکه می جوشید. قلبم گواهی اتفاق بدی را می داد. تا ظهر شاید ده باری شد که در رو باز کردم. تمام کوچه را ورنداز کردم. حدود ساعت یک بود. بابا باید کم کم پیداش می شد. تو فکر بودم که یک دفعه تلفن به صدا درآومد. مامان گوشی رو برداشت...

بله درست حدس زده بودم. بابا تصادف کرده بود، و این تازه اول سختی ها بود. بعد از مدتی پزشک خبر زمین گیر شدن بابا رو بهمون داد. روزهای اول هنوز نفهمیده بودم چی شده. ولی وقتی بی رغبت شدن برادرم علی رو به مدرسه و تلاشش رو برای پیدا کردن کار دیدم کم کم فهمیده چی داره به سرمون میاد. برادرم علی دانش آموز زرنگی بود اما حالا شده بود کارگر ساختمان. دیدن وضعیت علی برام خیلی سخت و سنگین بود.

اما چاره ای نبود. برای کنکور خیلی خوب خونده بودم و مجبور شدم بزم سر کنکور. امتحان دادم. نتیجه اش خوب شد. دانشگاه یاسوج قبول شدم. خدا رو شکر می کردم و سر از پا نمی شناختم. می خواستم بهترین دانشجوی دنیا بشم. می خواستم همه ی سختی های پدر و برادرم رو جبران کنم.

ترم اول رو که ثبت نام کرده بودم تازه فهمیدم تحصیلات عالیه چندان هم رایگان نیست. برادرم علی به هر زحمتی بود شهریه خوابگاه و پول کرایه و مخارجم رو جور کرد و فرستاد. خجالت می کشیدم و با درس خوندن جبرانش می کردم.

اوایل سال دوم بود. دلم اصلا جوش نمی زد. فقط به فکر درس خوندن بودم. یک دفعه تلفن زنگ زد. رفتم پای تلفن. از اقوام بود. گفت: علی از دارست افتاده البته چیزیش نشده ولی تو حتما بیا خونه. دلم آتیش گرفته بود و زبونم بج بسته بود. رفتم خونه. علی از ناحیه نخاع آسیب جدی دیده بود. برادرم رو هم گذاشتیم کنار پدرم روی یک پتوی پوسیده. خیلی طول نکشید که به فکر انصراف افتادم. اما دو دل بودم. یک بار رفتم خونه که سر بزنم. ماه رمضان بود. سفره ی خالی از برکت رو دیدم. پدرم و برادرم و پتوهای پوسیده ای که روشون دراز کشیده بودن. برادر و خواهر کوچکتری که معلوم نبود با چه وضعی بزرگ می شن. چه خوراکی؟ چه درس خواندنی؟ چه تفریحات سالمی؟! مادری که از غصه دق کرده بود و بیماری قلبی گرفته بود. خونه ای که سقفش آب آورده بود. اعصابم ریخته بود به هم. خواب و خوراک نداشتم، بله باید انصراف می دادم.

برگشتم دانشگاه. رفتن من به دانشگاه و همه ی اون آرزوها پوشالی به هیچ جا نمی رسید. بلند شدم و رفتم به سمت آموزش. توی راه بودم که سرم گیج رفت و نشستم. یک دفعه مهسا از راه سر رسید. متوجه من و حالم شد و گیر داد که باید بریم دکتر. دکتر گفت میگرن گرفتی و باید رعایت کنی.

مهسا دختر خوبی بود. به هم نزدیک شده بودیم. یک روز همه چیز رو براش تعریف کردم. جالب بود برام: مهسا از شنیدن درد هام مثل ابر بهاری گریه می کرد. اشکاشو پاک کردم. اصرار زیادی داشت که انصراف ندم. برای اینکه ناراحت نشه مثلا قبول کردم. بعد از مدتی مهسا به هر طریقی که بود زیر زیرکی بهم کمک می کرد. در نهایت تونستم به جایی برسم که فعلا از انصراف منصرف بشم. مهسا خودش هم وضع مالی خوبی نداشت، پدرش کارمند جزء بود و عیالوار. اما مهسا حتی از خرجی خودش می زد و هوای من رو داشت. خدا رو هزار مرتبه از داشتن دوستی مثل مهسا شکر گذارم. از خدا می خوام کاری کنه تا بتونم بر این همه مشکل پیروز بشم.

کتاب

سید مسعود پرهیزگاری s.m.parhizgari@gmail.com

امر به کتاب و نهی از نادانی

از تولد تا مرگ

■ کتاب از تولد تا مرگ از مجموعه دانشنامه فرهنگ و تمدن استان کهگیلویه و بویراحمد است که سید محمود موسوی پور آن را به رشته تحریر در آورد و با همکاری حوزه هنری استان توسط انتشارات بهتا پژوهش به زیور چاپ آراسته شد.

در این کتاب به بررسی مجموعه ای از آداب و رسوم عشایر استان از لحظه تولد تا دم مرگ می پردازد.

بخشی از متن کتاب:

این کتاب جستاری است از هنجارهای زیبا و غنی خرده فرهنگ ایلات و عشایر کهگیلویه و بویراحمد در خصوص اعتقادات و باورهای دوران قبل از بارداری تا تولد و کودکی و جوانی و مرگ در مقطع تاریخی پنجاه ساله‌ی قبل از ۱۳۴۲ هجری شمسی که در زمانی کوتاه با استفاده از منابع مکتوب موجود، تجربیات و تحقیقات میدانی نویسنده از مطلعین به رشته تحریر درآمده‌است.

برای جمع آوری مطالب این کتاب ضمن اینکه نویسنده خود متولد سال ۱۳۳۵ هجری شمسی در محیط عشایری و روستایی زندگی می کرده‌ام و حتی به روش‌های مطروحه در کتاب در دوران کودکی و طفولیت که دوا و دکتر در دسترس نبود در مقابل بیماری‌ها معالجه شده‌ام و بارها و بارها شاهد معالجه دیگران بوده و هم‌چنین دهها بار در مراسم خواستگاری و عروسی‌های سنتی، عزاداری‌ها و سوگ‌ها از نزدیک حضور داشته، از اطلاعات افراد معمر و سر رشته‌دار در امور طب سنتی در روستاها و ایلات از طریق گفتگو و مصاحبه بهره‌مند گردیده‌ام. از جمله حاجیه خانم ماهیجان محمدی ساکن روستای بازرنگ که اکنون در سن هشتاد سالگی است. ایشان هم در تهیه دارو و هم در درمان بیماری‌های کودکان به روش سنتی صاحب تجربه بوده و دهها نوزاد به کمک او از مادر متولد شدند و ناف آنها را بریده است. هم‌چنین بارها شاهد و ناظر طبابت مرحوم مشهدی محمد حسین محمدیان ساکن روستای کریم‌آباد بویراحمد بودم که به خوبی داروهای گیاهی را می‌شناخت و از ترکیبات آنها برای معالجه بیماران استفاده می‌نمود هم کودک و هم بزرگ‌سال و تخصصی عجیب در رفع کشیدگی مفاصل و ماهیچه‌ها و در رفتگی غضروف‌ها و شکسته‌بندی داشت. برای ایشان از خداوند طلب مغفرت می‌کنم.

علاوه بر تحقیقات فوق ازمنابع مکتوب نیز استفاده شده که مشخصات آنان در پایان کتاب آمده است.

خاطرات عشایری

کرم‌ا... بهزادی karambehzadi@gmail.com

دزد دیروز، دوست امروز

■ فصل بهار به نیمه رسیده بود. هوا به گرمه گراییده بود. گرمی هوا به حدی شدید بود که احشام را به شدت تحت تاثیر قرار داده بود. پشه‌های میگ مانند از گرمی هوا به شدت استفاده می کردند و تاب و توان را از حیوانات بی زبان گرفته بودند.

گله به شدت تا آرام بود و آهنگ کوچ را کوک می‌نمود. فصل کوچ را حیوانات نیز خبر می‌دهند. با مختصر وسایلی بار کوچ بسته شد. بره ها و کهره‌ها به مادران‌شان تحویل داده شدند. جون در حالت عادی از مادران‌شان مجزا هستند ولی هنگام کوچ در پی آن ها روان می‌باشند. کوچ از جنوب آغاز شد و مسیر های ناهموار فراوانی پیموده می شد. آن قدر سخت و طاقت‌فرسا بود که در پایان روز رمقی از هیچ جنبنده ای پیدا نمی‌شد.

به علت شلوغی و سنگینی بعضی از طوایف، کوچ‌های تک خانواری هم انجام می‌شد. با رنج‌های فراوان به نزدیکی روستایی رسیدیم. خسته و کوفته بودیم. اطراق کردیم. شترها را خواباند. بار از روی دوش‌شان بر زمین گذاشته و برای چرا رهایشان ساختیم. چوپانان به نوبت به استراحت پرداختند منطقه خطرناکی بود که سارقان قهاری را در خود پرورش داده بود. ترس از دزدان در این منطقه زبان زد. وارد این منطقه که می‌شدیم، همه از کوچک و بزرگ دوچشم داشتیم دوچشم دیگر هم قرض می گرفتیم و سفارشات لازم و مراقبت زیاد را یادآور می‌شدیم. موتور سواری را دیدیم که به طرف آبادی می آید؛ نزدیک آبادی که رسید. اجازه ورود خواست. به ایشان اجازه داده شود وارد شود، حریم کاملا تحت سیطره بود. موتور سوار با یک زبان چرب و سلام وتعارف میدان را بدست گرفت. جوانی بلندقامت، سینه ستبر، چشمانی زاغ مانند، هیکلی بسیار ورزیده، کت آمریکایی، شلوار شش جیب و کفش ملکی به همراه داشت. اطراف آبادی را با چشمان جغد مانندش می پایید و جست و جو می کرد و مسیر های ورود و خروج را چک می نمود، مردان با تجربه که خود نیز هر از گاهی دستی بر آتش داشتند چیزهای باارزش را از دید جوان دور می‌ساختند!! جوان آن قدر باغ سبز می کاشت که همه فکر می کردند وارد بهشت برین شده اند و تعارف تکه پاره می کرد به منطقه خودتان خوش آمدید. خیالتان راحت باشد. همه چیز را به ما بسپارید و با خیال راحت به استراحت بپردازید. تجربه استاد بزرگی است که به آسانی بدست نمی‌آید. به ما آموخته بودند که در هر صورت بی گدار به آب نزنیم...

جوان را به حضرت عباس قسم دادیم و بزغاله فربه ای را به او هدیه داده و از او خواستیم خود و هم قطارانش امشب را به ما امان دهند. بعد از اینکه خود را مبرا از هر موردی معرفی کرد. قول داد مشکلی پیش نمی آید. ایلیاتی ها به قسم حضرت عباس فوق العاده اعتقاد دارند. شب شد. قله قاش (محل استراحت گوسفندان) آورده شد. یک تفنگ‌چی در بالا و یک تفنگ‌چی در پایین دست گله نشست و با خیال راحت و تفنگ به دوش به خواب رفتند.

چنان غرق خواب شدند که به عالم پس از مرگ هم سری زدند. حتی شتران نیز پنبه دانه در خواب می دیدند. پاسبانان شب (شبان) اعتماد پیدا کرده بودند و دراز کش خوابیدند.

صبح صادق بر دمید و هوا گرگ و میش شد و آهنگ بیدار باش نواخته شد عادت بر این بود که اول صبح گله از شمارش عبور داده شود. شمارش آغاز گردید. یک بار، دوبار، سه بار شمارش شد. تعدادی از گوسفندان فربه مفقود شده‌بودند. چون قسم خورده بودند. به فرد روز قبل مشکوک نبودند. چاره ای نبود باید به راه ادامه می‌دادند. غم و غصه هم فایده‌ای نداشت. ایلیاتی‌ها هر ساله همان مسیر را طی می نمودند. منطقه به یمن انقلاب به آرامی گراییده بود. دزدی و دستبرد خیلی کم شده بود. سال‌های بعد در همان حوالی چادر زدیم و مهمانی بر ما وارد شد. ایلیاتی‌ها بسیار مهمان نواز هستند. مهمان را به صرف چای دعوت کردند. سر صحبت باز شد. مهمان شروع به صحبت نمود ماجرای قسم حضرت عباس، هدیه بزغاله و دزدین گوسفندان را باز گو کرد. سخت پشیمان بود. میزبان به شدت عصبانی شد و گفت: پس تو بودی که از اعتماد ما سوءاستفاده کردی و خیانت در امانت کردی و به ما دست برد زدی؟ ما شما را به حضرت عباس قسم دادیم. این چه خیانتی بود که شما به ما کردید. قرار ما این نبود!!! مرد ایلیاتی یک‌پارچه آتش شده‌بود. آرام و قرار نداشت. به زمین و زمان بدگمان شده‌بود از چشمانش خون می‌بارید. فرد مهمان با کوله‌باری از خجالت سر پایین انداخت و چنین گفت: آن زمان مجبور بودیم. حرفه‌مان همین بود. از شما می گرفتیم و به افراد فقیر می‌بخشیدیم. به عنوان رابین هود زمان بودیم. ایلیاتی ها بسیار با گذشت هستند. فرد ایلیاتی از اینکه اموالش به افراد نیازمند رسیده خوشحال گردید و گذشت کرد و ایشان را بخشید و سال‌های سال است با هم دوست شده اند و روزگار می گذرانند. و به یاد آن ایام برای فرزندان قصه ها تعریف می کنند...